

Section one:**Reading comprehension****Accounting principles****اصول حسابداری**

The basic purpose of the financial statements is to provide information about a business entity information that will be useful in making economic decisions. Investors, managers, creditors, financial analysts, economists, and government policy makers all rely upon the financial analysts, statements and other accounting reports in making the decisions which shape our economy. Therefore it is of vital importance that the information contained in the financial statements possesses certain characteristics. the information should be:

هدف اساسی صورتهای مالی عبارت است از تهیه اطلاعات درباره یک واحد تجاری ، اطلاعاتی که در اتخاذ تصمیمات اقتصادی مفید خواهد بود. سرمایه گذاران، مدیران، بستانکاران، تحلیل گران مالی، اقتصاددانان، و سیاست گذاران دولتی همگی در تصمیم گیری که اقتصادمان را شکل می بخشد برصورت های مالی و سایر گزارشات حسابداری متکی هستند. بنابراین، این از اهمیت حیاتی برخوردار است که اطلاعات شامل شده در صورتهای مالی دارای ویژگیهای معینی باشند، این اطلاعات باید:

۱. relevant to the informational needs of the decision makers

۲. as reliable as possible

۳. comparable to the financial statements of prior periods and also to the statements of other companies.

۴. understandable to the users of the financial statements.

۱. به نیازهای اطلاعاتی تصمیم گیرندگان مربوط باشد.

۲. تا حد امکان قابل اعتماد باشد.

۳. با صورتهای مالی دوره های قبل و نیز با صورتهای مالی سایر شرکت ها قابل مقایسه باشد.

۴. به استفاده کنندگان صورتهای مالی قابل فهم باشد.

we need a well-defined body of accounting principles or standards to guide accountants in preparing the financial statements which possess these characteristics .the users of the financial statements also must be familiar with these principles in order to interpret properly the information contained in these statements.

ما به یک مجموعه خوب تعریف شده ای از اصول یا معیارهای حسابداری نیاز داریم تا حسابداران را در تهیه صورتهای مالی که این ویژگیها را دارا باشند راهنمایی کنند. استفاده کنندگان صورتهای مالی همچنین باید به منظور تفسیر مناسب اطلاعات حاوی این صورتهای مالی با این اصول آشنا باشند.

Generally accepted accounting principles

The principles which constitute the ground rules for financial reporting are called generally accepted accounting principles. accounting principles may also be termed standards, assumptions, conventions, or concepts. The various terms used to describe accounting principles stem from the many efforts that have been made to develop a satisfactory framework of accounting theory.

استانداردهای (اصول کلی) پذیرفته شده حسابداری

اصولی که تشکیل دهنده مقررات اساسی برای گزارش دهی مالی باشند استانداردهای (اصول) پذیرفته شده حسابداری نامیده می شوند. اصول حسابداری ممکن است استانداردها، فرضیات، میثاقها، یا مفاهیم نیز نامیده شود. اصطلاحات متنوعی که برای توصیف اصول حسابداری استفاده می شود از تلاشهای دامنه داری نشأت می گیرد که برای توسعه ی یک چارچوب رضایت بخشی از تئوری حسابداری صورت گرفته است.

For example, the word 'standards' was chosen rather 'principles' when the financial accounting standards board replaced the accounting principles board as the top rule-making body in the accounting profession. The effort to construct a satisfactory body of accounting theory is an ongoing process, because accounting theory must continually change with changes in the business environment and changes in the needs of the financial statement users.

برای مثال، کلمه "استانداردها" به جای "اصول" زمانی انتخاب شد که هیئت استانداردهای حسابداری مالی بعنوان يك مرجع (هیئت) ارشد قانون گذاری در حرفه ی حسابداری جایگزین هیئت اصول حسابداری شد. تلاش برای ایجاد یک مجموعه ی رضایت بخش از تئوری حسابداری یک فرآیند پیوسته و در حال جریان است چون تئوری حسابداری باید بطور مداوم همگام با تحولات در محیط تجاری و تحولات در نیازهای استفاده کنندگان از صورت های مالی تغییر یابد.

The accounting entity concept

One of the basic principles of accounting is that information is compiled for a clearly defined accounting entity. an accounting entity is any economic unit which controls resources and engages in economic activities. an individual as a proprietorship, partnership, or corporation. Governmental agencies are accounting entities, are nonprofit clubs and organizations. An accounting entity may also be defined as an identifiable economic unit within a larger accounting entity.

فرض تفکیک شخصیت یکی از اصول اساسی حسابداری این است که اطلاعات برای یک واحد حسابداری به وضوح تعریف شده و مشخص تدوین می شود. یک واحد حسابداری عبارت از هر واحد اقتصادی است که منابع را کنترل کرده و درگیر فعالیت های اقتصادی می باشد. یک فرد یک واحد حسابداری است، اعم از اینکه بصورت تک

مالکي، تضامني، يا سهامی باشد. یک واحد حسابداری ممکن است بعنوان یک واحد اقتصادی در درون یک واحد حسابداری بزرگتر نیز تعریف شود.

The going-concern assumption

An underlying assumption in accounting is that an accounting entity will continue in operation for a period of time sufficient to carry out its existing commitments. the assumption of continuity, especially in the case of corporations, is in accord with experience in our economic system.

فرض استمرار فعالیت های مالی: یک فرض بنیادی در حسابداری این است که یک واحد حسابداری تا زمانی به عملیات خود ادامه خواهد داد که این زمان برای اجرای تعهدات موجوداش کافی باشد. فرض تداوم، بویژه در مورد شرکت های سهامی، مطابق با تجربه در سیستم اقتصادی ماست.

This assumption leads to the concept of the going concern. in general, the going – concern assumption justifies ignoring immediate liquidating values in presenting assets and liabilities ignoring immediate liquidating values in presenting assets and liabilities in the balance sheet.

این فرض به مفهوم استمرار فعالیت های مالی منجر می شود. بطور کلی، فرض استمرار فعالیت غفلت از ارزشهای آتی نقدینگی در ارائه دارائیهها و بدهیهها در ترازنامه را توجیه می کند.

The time period principle

The users of the financial statements need information that is reasonably correct, and that is comparable to the information relating to prior accounting periods. Therefore, for financial reporting purposes, the life of a business must be divided into a series of relatively short accounting periods of equal length. This concept is called the time period principle.

فرض دوره ی مالی: استفاده کنندگان از صورتهای مالی به اطلاعاتی نیاز دارند که بطور منطقی درست بوده، و قابل مقایسه با اطلاعاتی باشد که به دوره های حسابداری قبلی مربوط می شوند. از اینرو، برای اهداف گزارشگری مالی، عمر یک شرکت تجاری باید به یک سری از دوره های حسابداری نسبتاً کوتاه با طول دوره ی زمانی مساوی تقسیم می شود. این مفهوم فرض دوره مالی نامیده می شود.

The stable-Dollar Assumption

The stable-dollar assumption means that money is used as the basic measuring unit for financial reporting. The dollar, or any other monetary unit, is a measure of value-that is, it indicates the relative price (or value) of different goods and services. when accountants add or subtract dollar values originating in different years, they imply that dollar is a stable unit of measure, just as the gallon, the acre, and the mile are stable units of measure. unfortunately, the dollar is not a stable measure of value.

فرض واحد اندازه گیری: فرض واحد اندازه گیری بدین معناست که پول بعنوان واحد اصلی اندازه گیری در گزارشگری مالی مورد استفاده قرار می گیرد. دلار یا هر واحد پولی دیگر، یک وسیله سنجش ارزش است که قیمت (یا ارزش) نسبی اجناس و خدمات مختلف را نشان می دهد. زمانیکه حسابداران ارزش دلار را در سالهای مختلف به عنوان ارزشهای ورودی و خروجی بکار می گیرند، آنها اظهار می دارند که دلاریک واحد ثابت سنجش است، عیناً همانند گالن، جریب (برای سنجش زمین برابر با ۴۰۴۷ مترمربع) ، و مایل که واحدهای ثابت اندازه گیری می باشند. متأسفانه، دلار یک واحد ثابت برای اندازه گیری نمی باشد.

The objectivity principle

The term objective refers to measurements that are unbiased and subject to verification by independent expert. For example, the price established in an arm's-length transaction is an objective measure of exchange value at the time of the transaction. Exchange prices established in business transactions constitute much of the raw material from which accounting information is generated.

اصل عینیت: اصطلاح عینی به اندازه گیری هایی اشاره دارد که بی طرفانه بوده و قابلیت تأیید توسط متخصصان مستقل را دارند. برای مثال، قیمت های تعیین شده در یک معامله ی کوتاه مدت یک سنجش عینی ارزش مبادله در هنگام معامله محسوب می شود. قیمتی که در معاملات بی شبه (معاملات حقیقی و در شرایط عادی) مشخص می شود یک معیار عینی سنجش ارزش مبادله در زمان قرارداد می باشد. قیمت های مبادله در معاملات تجاری متشکل از بیشتر مواد خامی است که از آن اطلاعات حسابداری بوجود می آید.

accountants rely on various kinds of evidence to support their financial measurements, but they seek always the most objective evidence available. Invoices, contracts, paid checks, and physical counts of inventory are example of objective evidence.

حسابداران بر انواع شواهد مختلف تکیه دارند تا اندازه گیری های مالی شان را تأیید نمایند، اما آنها همیشه بدنبال عینی ترین مدرک قابل دسترس هستند. فاکتورها، قراردادهای، چک های پرداخت شده، شمارش فیزیکی موجودی (انبارگردانی) نمونه هایی از شواهد عینی می باشند.

The cost principle

Both the balance sheet and the income statement are effected by the cost principle. assets are initially recorded in the accounts at cost, and no adjustment is made to this valuation in later periods, expert to allocate a portion of the original cost to expense as the assets expire.

اصل بهای تمام شده: هم ترازنامه و هم صورت سود و زیان تحت تأثیر اصل بهای تمام شده قرار می گیرند. دارائیهها در ابتدا در حسابها به بهای تمام شده ثبت می شوند، و در دوره های بعدی هیچ تعدیلی در این ارزیابیها صورت نمی گیرد، بجز اینکه بخشی از بهای تمام شده اولیه را تا از بین رفتن دارایی به هزینه اختصاص می دهند.

At the time an assets is originally acquired, cost represents the fair market value of the goods or services exchanged, as evidenced by an arm's-length transaction. with the passage of time, however the fair market value of such assets as land and building may change greatly from historical cost .

در زمان تحصیل یک دارایی برای اولین بار، بهای تمام شده "ارزش منصفانه بازار" اجناس یا خدمات مبادله شده را نشان می دهد، همانگونه که در مورد معامله کوتاه مدت بدین منوال است. با گذشت زمان، ارزش منصفانه داراییهایی نظیر زمین و ساختمان ممکن است از بهای تمام شده تاریخی شان تا حد زیادی تغییر یابد.

these later changes in faire market value generally have been ignored in the accounts and the assets have continued to be valued in the balance sheet at historical cost (less the portion of that cost which has been allocated expense.)

این تغییرات اخیر در ارزش متعارف بازار در حسابها عموماً مورد غفلت قرار گرفته و دارائیهها در ترازنامه بطور پیوسته بر مبنای بهای تمام شده ی تاریخی (منهای آن بخشی که برای هزینه اختصاص داده شده است) ارزیابی شده اند.

Revenue recognition

When should revenue be recognized? Under the assumptions of accrual accounting revenue should be recognized when it is earned. however, the earning of revenue usually is an extended economic process and does not actually take place at a single point in time.

تحقق درآمد. درآمد چه موقع باید شناسایی شود؟ با توجه به فرض تعهدی حسابداری، درآمد باید هنگامی شناسایی شود که کسب می شود. اما کسب درآمد یک فرآیند گسترده ی اقتصادی است و در آن واحد در یک نقطه زمان روی نمی دهد.

Some revenue, such as interest earned, is directly related to time periods. for this type of revenue, it is easy to determine how much revenue has been earned by computing how much of the earning process is complete. however the earning process for sale revenue relates to economic activity rather than to a specific periods of time. in a manufacturing business, for example, the earning process involves (۱) acquisition of raw materials, (۲) production of finished goods, (۳) sale of the finished goods, (۴) collection of cash from credit customers.

برخی از درآمدها، همانند درآمد حاصل از بهره، مستقیماً به دوره های زمانی مربوط می شوند. برای این نوع درآمد، تعیین میزان درآمد حاصله با استفاده از محاسبه اینکه چه مقدار از فرآیند کسب تکمیل شده است، آسان می باشد. با وجود این، فرآیند کسب درآمد در امر درآمدهای حاصل از فروشها بیشتر به فعالیت اقتصادی مربوط است تا به دوره خاصی از زمان، برای مثال در یک شرکت تولیدی، فرآیند کسب درآمد شامل موارد زیر می باشد. ۱. تهیه ی مواد خام ۲. تولید کالاهای ساخته شده ۳. فروش کالاهای ساخته شده ۴. وصول وجوه نقد از مشتریانی که بطور نسبه خرید کرده اند.

Expense recognition

The relationship between expenses and revenue is one of cause and effect. Expenses are causal factors in the earning of revenue.

تحقق/شناخت هزینه: رابطه بین هزینه ها و درآمد یک رابطه ی علی و معلولی است. هزینه ها درکسب درآمد عوامل علی محسوب می شوند.

to measure the profitability of economic entity, we must consider not only the revenue earned, but also all the expenses incurred in the effort to produce this revenue. Thus accountants attempt to match the revenue appearing in an income statement with all the expenses incurred in generating that revenue. this concept, called the matching principle governs the timing of expense recognition in the financial statements.

برای سنجش قابلیت سود دهی یک واحد اقتصادی، ما نه تنها باید درآمد کسب شده را در نظر بگیریم، بلکه باید تمامی هزینه های تحمل شده در جهت حصول این درآمد را نیز مد نظر داشته باشیم. بنابراین حسابداران سعی می کنند تا درآمد ثبت شده در صورت سود و زیان را با تمامی هزینه هایی که در تولید این درآمد متحمل شده، تطبیق دهند. این مفهوم، که اصل تطابق هزینه با درآمد خوانده می شود، بر زمان بندی شناخت هزینه در صورتهای مالی حاکم است.

The consistency principle

The principle of consistency implies that a particular accounting method, once adopted, will not be changed from period to period. This assumption is important because it assists users the financial statement in interpreting changes in financial position and changes in net income.

اصل ثبات رویه: اصل ثبات براین امر دلالت دارد که یک روش خاص حسابداری، زمانیکه بکارگرفته شد، نمی تواند از زمانی به زمان دیگر تغییر یابد. این اصل دارای اهمیت است چون به استفاده کنندگان صورتهای مالی در تفسیر تغییرات وضعیت مالی و تغییرات در سود خالص کمک می کند.

Consider the confusion which would result if a company ignored the principle of consistency and changed its method of depreciation every year. the company would cause its net income for any given year to increase or decrease merely by changing its depreciation method.

تصور کنید که چه سردرگمی به بار می آید اگر شرکتی اصل ثبات را فراموش نموده و روش تخفیف را هر سال تغییر دهد. شرکت باعث خواهد شد که هر ساله صرفاً بدلیل تغییر در روش تخفیف اش درآمد خالص خود را افزایش یا کاهش دهد.

The principle of consistency does not mean that a company should never make a change in its accounting methods. In fact, a company should make a change if a proposed new accounting method will provide more useful changes in accounting methods does occur, the fact that a change has been made and the dollar effects of the change should be fully disclosed in the financial statements.

اصل ثبات بدین معنا نیست که یک شرکت هرگز نباید در روشهای حسابداری خود تغییر بدهد. در واقع، اگر روش حسابداری جدید پیشنهاد شده نسبت به روش موجود در حال استفاده اطلاعات بسیار مفیدی ارائه دهد، شرکت باید دست به تغییر بزند. اما هنگامیکه تغییرات مهمی در روشهای حسابداری روی می دهد، واقعیت این است که تغییر صورت گرفته و اثرات پولی تغییر باید بطور کامل در صورتهای مالی بیان شوند.

The disclosure principle

Adequate disclosure means that all material and relevant facts concerning financial position and the results of operations are communicated to users. This can be accomplished either in the financial statement or in the notes accompanying the statements. such disclosure should make the financial statements more useful and less subject to misinterpretation.

اصل افشاء: افشاء مناسب بدین معناست که تمامی موضوعات و حقایق مرتبط در مورد وضعیت مالی و نتایج عملیات به استفاده کنندگان بیان می شود. این می تواند یا در صورت های مالی اعمال شود یا در یادداشت های همراه صورتهای مالی انجام بگیرد. چنین افشاسازی باید صورتهای مالی را بسیار مفید کرده و از سوء تعبیر در امان داشته باشد.

Adequate disclosure does not require that information be presented in example if a company has been named as a defendant in a large law suit, this information must be disclosed. other example of information which should be disclosed in the financial statements include:

افشاء سازی مناسب نیازی به ارائه طویل و تفصیلی اطلاعات ندارد؛ اما بهرحال مستلزم این است که هیچ حقیقت مهمی از دیده دورنگاشته نشود. برای مثال، اگر شرکتی بعنوان مدافع محاکمه و تعقیب عمده ی قانونی نامیده شده است، این اطلاعات باید افشاش شود. سایر نمونه ها درباره ی افشاسازی اطلاعات در صورتهای مالی عبارتند از:

۱. A summary of the accounting methods used in the preparation of the statements
۲. ۲. Dollar effects of any changes in these accounting methods during the current period
۳. Any loss contingencies that may have a material effect upon the financial position of the business
۴. Contractual provisions that will affect future cash flows, including the terms and conditions of borrowing agreements , employee pension plans, and commitments to buy or sell material of assets.

۱. خلاصه ای از روشهای حسابداری مورد استفاده در تهیه ی صورتهای مالی.

۲. اثرات پولی هر تغییری در این روشهای حسابداری در طول دوره ی جاری.

۳. هرگونه ضرراحتمالی که ممکن است یک اثرمادی بر وضعیت مالی شرکت داشته باشد.

۴. شرایط قرارداد که جریان نقدینگی آینده شامل مفاد و شرایط توافق های استقراض، طرحهای بازنشستگی کارمند، و تعهدات خرید یا فروش مقادیر مادی دارائیهها را تحت تأثیرقرار خواهد داد.

Even significant events which occur after the accounting period but before the financial statements are issued may need to be disclosed.

حتی رخدادهای مهمی که بعد از پایان دوره حسابداری ولی قبل از صدور صورتهای مالی روی می دهند ممکن است نیاز به افشاء داشته باشند.

Materiality

The term materiality refers to the relative importance of an item or an event. An item is material if knowledge of the time might reasonably influence the decision of users of the financial statements. Accountants must be sure that all material items are properly reported in the financial statements.

اصل اهمیت: واژه اهمیت به اهمیت نسبی یک قلم یا رویداد اشاره دارد. یک قلم زمانی با اهمیت است که دانستن آن قلم بتواند بطور منطقی بر تصمیمات استفاده کنندگان صورتهای مالی تأثیرگذارد. حسابداران باید مطمئن باشند که تمامی اقلام مهم بطور مناسب در صورتهای مالی گزارش شوند.

However, the financial reporting process should be cost effective-that is, the value of the information should exceed the cost of its preparation. by definition, the accounting treatment accorded to immaterial item is of little or no value to decision makers. Therefore, accountants should not waste time accounting for immaterial items, these items may be treated in the easiest and most convenient manner. in short, the concept of materiality allows accountants to ignore other accounting with respect to items that are not material.

به هر حال، فرآیند گزارشگری مالی باید مقرون به صرفه باشد - یعنی ارزش اطلاعات باید فراتر از هزینه ی تهیه آن باشد. طبق تعریف، عملیات حسابداری در رابطه با اقلام بی اهمیت برای تصمیم گیرندگان ارزش کمی داشته یا از هیچ اهمیتی برخوردار نیست. بنابراین، حسابداران نباید وقت خود را برای محاسبه ی اقلام بی اهمیت اتلاف نمایند؛ این اقلام ممکن است با آسانترین و راحت ترین شیوه محاسبه شوند. بطور خلاصه، اصل اهمیت به حسابداران اجازه می دهد تا سایر اصول حسابداری که به اقلام بی اهمیت مربوط می شوند را نادیده بگیرند.

Conservatism

We have previously referred to the use of conservatism in connection with the measurement of net income, although the concept of conservatism may not qualify as an accounting principle, it has long been a powerful influence upon asset valuation and income determination. conservatism is most useful when matters of judgment or estimates are involved. Ideally, accountants should base their estimates on sound logic and select those accounting methods which neither overstate nor understate the facts. When some doubt exists about the valuation of an asset or the realization of a gain, however, accountants traditionally select the accounting option which produces a lower net income for the current period and less favorable financial position.

اصل محافظه کاری: ما قبلاً به اصل محافظه کاری در ارتباط با سنجش درآمد خالص اشاره کرده ایم. اگرچه مفهوم محافظه کاری ممکن است یک اصل حسابداری به شمار نیاید، مدت‌های مدیدی است اصل محافظه کاری تأثیر شدیدی بر ارزیابی دارایی و تعیین درآمد داشته است. محافظه کاری زمانی بسیار مفید است که پای موضوعات داوری یا برآورد و تخمین در میان باشد. بطور ایده آل، حسابداران باید برآوردهای شان را بر مبنای منطق سالم قراردادده و آن روشهایی را در حسابداری انتخاب نمایند که حقایق را نه بیشتر از معمول و نه کمتر از معمول بیان نماید. بهر حال، زمانیکه درباره ی ارزش گذاری یک دارایی یا تحقق و شناخت یک درآمد شک وجود داشته باشد، حسابداران بطور سنتی از روشی استفاده می کنند که برای دوره ی جاری درآمد خالص پایین و موقعیت مالی نه چندان مطلوبی بوجود آورد.